

بازخوانی نسبت منظر کوچه بارودخانه دز و تحولات آن در بافت تاریخی شهر - رودخانه دز فول

(نمونه موردی: محور خیمه‌گاه، شهدا و لب خندق)*

امین مقصدی**

گروه معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران، ایران

سمیه صبوری

گروه معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران، ایران

مائده قصبه

گروه معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران، ایران

حوریا کیهان‌آرا

گروه معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۲ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

چکیده کوچه در شهرهای سنتی ایرانی به مثابه پدیده‌ای منظرین ادراک می‌شود. در نتیجه توسعه شهری معاصر در بسیاری از شهرهای تاریخی ایرانی، کوچه و منظر آن دچار تحول شده است که همین امر ضرورت مطالعه کوچه به جهت بازشناسی ارزش‌ها و ویژگی‌های آن در بافت تاریخی شهرهای ایرانی را برجسته می‌کند. از همین رو، این پژوهش می‌کوشد به مطالعه کوچه در بافت تاریخی شهر دز فول بپردازد. دز فول یک شهر-رودخانه تاریخی ایرانی در سرزمین خوزستان، در مجاورت رودخانه دز است. این پژوهش با در نظر گرفتن تعامل بین رودخانه و بافت شهری، این فرضیه را مطرح می‌کند که منظر کوچه در بافت تاریخی دز فول تحت تأثیر رودخانه دز بوده است؛ باین حال، توسعه شهری معاصر، این منظر را دچار تحول و آسیب کرده است. در این راستا، این پژوهش با مطالعه کوچه در محور «لب خندق-شهدا-خیمه‌گاه» به این سؤال پاسخ خواهد داد چه مؤلفه‌های کالبدی و معنایی را برای کوچه در پیوند با رودخانه دز می‌توان شناسایی کرد و این مؤلفه‌ها، در فرایند توسعه شهری به چه شکلی تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. این پژوهش از نوع کیفی است و با استفاده از شیوه توصیفی-تحلیلی و تکیه بر روش‌های کتابخانه‌ای و مشاهده میدانی در فرایند جمع‌آوری داده تلاش می‌کند به سؤالات مطرح شده پاسخ دهد. یافته‌های این پژوهش ضمن تأیید فرضیه مطالعه نشان می‌دهد که کوچه در شهر دز فول از نظر جهت‌گیری، شکل‌گیری و موقعیت مکانی متأثر از رودخانه دز بوده است؛ علاوه بر این، به واسطه رویدادهای آیینی و روایات مرتبط با رودخانه، کوچه از نظر معنایی نیز تحت تأثیر رودخانه دز قرار دارد. همچنین یافته‌ها در ادامه نشان داد که توسعه شهری معاصر در بافت تاریخی دز فول از دوره پهلوی تا کنون، به واسطه اقداماتی از قبیل خیابان‌کشی و همچنین تعریض، کوچه و منظر آن را دست‌خوش تحول کرده است.

واژگان کلیدی | کوچه، منظر، شهر-رودخانه، بافت تاریخی دز فول، شهر ایرانی-اسلامی.

مشترک اجتماعی شهروندان و به عبارتی دیگر منظر شهری ایفا می‌کند (Mansouri, 2013, 58). کوچه در شهرهای سنتی ایرانی، به واقع فضایی واسط و مفصلی است میان دو عرصه زیست انسان ایرانی یعنی عرصه خصوصی و عرصه عمومی. کوچه به واسطه شرایط محیطی، اقلیمی، عملکردی و در پیوند با فرهنگ، سنت و آداب و رسوم شهروندان در بردارنده ابعاد کالبدی و معنایی ویژه‌ای است که می‌تواند نیازهای فیزیکی و ذهنی شهروندان خود را مرتفع سازد و نمودی آشکار از تجربه زیسته انسان‌ها باشد؛ به عبارتی دیگر، کوچه نه فقط یک عنصر فیزیکی، بلکه به صورت توأمان عنصری معنایی و فرهنگی نیز

مقدمه | کوچه در شهرهای ایرانی-اسلامی نقشی فراتر از یک گذرگاه ساده دارد. در بافت سنتی شهرهای ایرانی، کوچه تنها به عنوان یک مسیر ارتباطی متصل‌کننده دو نقطه نیست، بلکه به عنوان فضایی چندبُعدی با عملکردهای متنوعی برای ساکنان شهر مطرح است (Shabani & Mansouri, 2021). کوچه از نظر فضایی و ساختاری دارای ظرفیت‌هایی است که آن را به محلی برای ایجاد ارتباطات اجتماعی، تقویت حس تعلق و شکل‌گیری هویت جمعی در سازمان فضایی شهر بدل کرده است، به همین دلیل، کوچه نقشی مهم در ساخت حافظه

** نویسنده مسئول: amin.magsudi@ut.ac.ir ۰۹۱۶۳۳۴۶۳۷۶

متأسفانه بسیاری از کوچه‌های ارزشمند بافت تاریخی شهر دزفول در فرایند توسعه شهری در دوران معاصر دچار تخریب و آسیب شده‌اند که همین امر ضرورت توجه و مطالعه اندام کوچه به جهت شناخت ویژگی‌های منظرین آن‌ها و همچنین تحولات رخ داده بر آن‌ها در فرایند توسعه شهری را برجسته می‌کند. براین اساس، در این پژوهش تلاش خواهد شد که ضمن بازشناسی منظر کوچه در بافت تاریخی شهر دزفول در پیوند با عنصر رودخانه به‌عنوان مهمترین مؤلفه طبیعی شهر، تأثیرات حاصل بر کوچه در نتیجه فرایند توسعه شهری معاصر از طریق بررسی نمونه مطالعاتی محور خیمه‌گاه-شهدا-لب خندق بررسی شد (تصویر ۱). محور مطالعاتی این پژوهش در واقع متشکل از سه کوچه «لب خندق»، «شهدا» و «خیمه‌گاه» است که در امتداد یکدیگر واقع شده‌اند و نهایتاً به امامزاده «رودبند» بر لبه رودخانه دز منتهی می‌شوند. این محور یکی از محورهای تاریخی و مهم شهر دزفول به شمار می‌رود که در ارتباط با رودخانه دز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر این، این محور، نقش برجسته‌ای را در شکل‌گیری و برونداد رویدادها و فعالیت‌های اجتماعی در شهر دزفول ایفا می‌کند، به همین دلیل، دربردارنده لایه‌های معنایی ویژه‌ای نیز بوده است که در ادراک شهروندان از منظر شهری بسیار مؤثر است.

فرضیه و سؤال پژوهش

فرضیه اصلی این پژوهش از این قرار است که کوچه به‌عنوان



تصویر ۱. محدوده مطالعاتی پژوهش، محور لب خندق-شهدا-خیمه‌گاه. مأخذ: نگارندگان برگرفته از Google map.

است که نیازهای فردی و جمعی را به‌صورت هم‌زمان پاسخ می‌دهد (Shabani & Mansouri, 2021). با در نظر گرفتن این خصلت منحصر به فرد کوچه، می‌توان این فضای شهری را ورای کالبد و فیزیک آن، به‌مثابه یک پدیده دارای ویژگی‌های منظرین مورد توجه قرار داد. منظر مفهومی است که به محیط‌هایی اشاره دارد که به‌واسطه حضور انسان و تجربه و احساسات وی تنها به‌وسیله ویژگی‌های کالبدی آن تعریف نمی‌شود، بلکه به‌واسطه فرایند ادراکی پیوسته انسان، ابعاد ذهنی و معنایی را نیز شامل می‌شود. در واقع، در یک پدیده منظرین، فضا در کنار ابعاد کالبدی، در نتیجه یک فرایند مبتنی بر خوانش و ادراک انسانی، بُعدی ذهنی نیز می‌یابد و چنان در هم تنیده می‌شوند که اساساً تفکیک، تمایز قائل شدن بین آن‌ها ممکن نیست (Mansouri, 2021). متأسفانه در طی دهه‌های گذشته و در نتیجه رویکردهای مدرنیستی مبتنی بر اندیشه‌های مکانیکی و همچنین شکل‌گیری نیازهای جدید مرتبط با زیست انسانی (Barati, 2004)، کوچه به‌عنوان یک فضای شهری ارزشمند، دستخوش تغییرات و تحولات گسترده‌ای شده است. در واقع اقداماتی نظیر احداث‌های خیابان‌های نفوذی در بافت‌های تاریخی شهرهای ایرانی (Atashinbar, 2015) و همچنین تعریض کوچه‌ها به‌منظور فراهم آوردن مسیر مطلوب حرکت خودرو (Bahrami & Atashinbar, 2020)، کوچه‌ها را با چالش‌های متعددی مواجهه کرده است که در نتیجه آن کوچه به‌مثابه یک منظر و یکی از اجزای اساسی تشکیل‌دهنده منظر شهری (Mansouri, 2021) دست‌خوش تغییرات اساسی شده است. در این فرایند تحولی، ابعاد کالبدی کوچه در کنار ابعاد ذهنی تولید شده به‌واسطه تجربه زیستی شهروندان، به دلیل عدم شناخت و آگاهی در فرایند توسعه شهری از بین رفته‌اند. این در حالی است که اساساً ادراک شهروندان از شهر یا همان منظر شهری فرایندی است که از خلال خوانش شهروندان از شهر به‌مثابه یک مکان و نمادهای آن که رویدادها و خاطره‌های انسانی را در بستر خود می‌پروراند، حاصل می‌شود (منصوری، ۱۳۸۹). از این رو، نابودی کوچه و ابعاد توأمان عینی-ذهنی آن، می‌تواند در نگاهی گسترده‌تر منظر شهری شهرهای سنتی ایرانی که در طی سالیان و در طول فرایندی ارگانیک و مستمر شکل گرفته‌اند، دست‌خوش تأثیرات چشم‌گیری کند. با در نظر گرفتن این موضوع، این پژوهش بر آن است که تأثیرات حاصل از فرایند توسعه شهری معاصر ایران (Maghsoudi, 2019) را بر منظر کوچه در بافت تاریخی شهر دزفول مورد مطالعه قرار دهد. دزفول یکی از شهرهای تاریخی ایرانی است که به‌واسطه واقع شدن در مجاورت رودخانه «دز» و پیوند با آن دارای ویژگی‌های برجسته‌ای از شهرهای رودخانه‌ای سنتی ایرانی است. بافت تاریخی شهر دزفول دربردارنده نمونه‌های منحصر به فردی از اندام کوچه است.

ساری بازشناسی کنند. علاوه بر این، مقصودی و همکاران (Maghsoudi et al., 2025)، در پژوهشی دیگر کوشیدند با در نظر گرفتن کوچه به مثابه یک منظر، مؤلفه تشکیل دهنده آن را در بافت تاریخی شهر یزد مورد مطالعه و بازشناسی قرار دهند.

مطالعات بافت تاریخی شهر دزفول، بخش دیگری از بدنه پژوهشی مرتبط با عنوان این مقاله را تشکیل می‌دهند. در این پژوهش‌ها بافت تاریخی شهر دزفول از جهات گوناگونی بررسی شده است. مهرگان (Mehrgan, 2024) در مطالعات خود با پرداختن به مفهوم بافت قدیمی و ساختار آن، پیوستگی، تداوم و ارتباط بافت قدیمی دزفول با بافت امروزی این شهر را بررسی کرد. حاتمی‌نژاد و همکاران (Hataminejad et al., 2017)، در مطالعات خود اولویت‌بندی راهبردهای توسعه گردشگری مذهبی در بافت تاریخی شهر دزفول را بررسی کردند و راهکارهایی را برای تقویت این نوع گردشگری ارائه دادند. مؤمنی و سلطانی (Momeni & Soltani, 2018)، در پژوهش خود با تأکید بر فرهنگ عاشورایی، تأثیرات این آیین بر مراکز تجمع در بافت تاریخی شهر دزفول را بررسی کردند. مردانی (Mardani, 2022) در پژوهش خود بر فضاهای عمومی بافت تاریخی شهر دزفول متمرکز شد و تلاش کرد که نقش آن‌ها را در ایجاد روابط اجتماعی فعال از طریق مطالعه موردی بازار و مسجد در بافت قدیم دزفول بررسی کند. مودت (Mavedat, 2022) با در نظر گرفتن بافت تاریخی شهر دزفول امکان شبکه‌بردسازی در بافت تاریخی شهر را رویکرد گردشگری را مورد سنجش قرار داد. همچنین تابان و پورجعفر (Taban & Pourjifar, 2008) با هدف به کارگیری عوامل هویتی در فرایند توسعه شهری، بازشناسی هویت تاریخی بافت قدیم دزفول را در مقاله‌ای مد نظر قرار دادند. از طرف دیگر، محمودی و منصورپور (Mahmoodi & Mansourpour, 2017) در پژوهش خودشان، جایگاه عوامل کالبدی در کنار سایر مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی در محلات مسکونی بافت تاریخی دزفول را مورد مطالعه قرار دادند. علاوه بر این، آزاد و همکاران (Azad et al., 2019)، با معرفی معماری «دستکند» در بافت تاریخی شهر دزفول، عوامل شکل‌گیری آن، چگونگی احیا و به کارگیری آن‌ها به عنوان فرصتی در جهت توسعه گردشگری پایدار را بررسی کردند. مسعودی‌نژاد (Masoudi Nejad, 2022)، نیز در پژوهش خود اندام بازار در بافت تاریخی شهر دزفول را مورد توجه قرار داد و کوشید جنبه‌های شهری، اقتصادی و اجتماعی مرتبط با آن را بحث کند. لرنزنگنه و همکاران (Lorzangeneh et al., 2024)، در پژوهش دیگری، تأثیرات ناشی از مؤلفه‌های محسوس و نامحسوس کالبدی بر ساختار محلات در بافت تاریخی دزفول را از طریق سنجش مؤلفه‌ها بررسی کردند. عینی و تابان (Eyni & Taban, 2019) نیز در مطالعات

یکی از مهم‌ترین عناصر سازمان فضایی شهر دزفول که شکل‌دهنده نظم فضایی و همچنین نظم ذهنی شهر است، از نظر تاریخی متأثر از رودخانه دز بوده است. با این حال، به نظر می‌رسد دامنه این تأثیر تنها محدود به ابعاد کالبدی و فضایی کوچه نیست بلکه به صورت توأمان ابعاد معنایی و ذهنی کوچه را نیز شامل می‌شود. به عبارتی دیگر منظر کوچه در شهر دزفول به شکلی مستقیم متأثر از رودخانه دز به عنوان مهم‌ترین عنصر طبیعی موجود در بستر محیطی شهر بوده است. با این حال، ویژگی منظرین کوچه در بافت تاریخی شهر دزفول در فرایند توسعه شهری معاصر اساساً مورد توجه قرار نگرفته و همین امر سبب آسیب‌هایی جدی بر منظر کوچه شده است. بر مبنای این فرضیه، و با در نظر گرفتن نمونه مطالعاتی، این پژوهش تلاش می‌کند به این سؤال اصلی پاسخ دهد که کوچه در محور «لب خندق-شهدا-خیمه‌گاه» در بافت تاریخی دزفول از دیدگاه عینی-ذهنی به چه شکلی تحت تأثیر رودخانه دز بوده است و چه مؤلفه‌های کالبدی و معنایی را در این محور در پیوند با رودخانه می‌توان شناسایی کرد؟ همچنین، این پژوهش خواهد کوشید در ادامه به این سؤال پاسخ دهد، که مؤلفه‌های عینی-ذهنی متأثر از رودخانه دز در منظر کوچه، در فرایند توسعه شهری در دوران معاصر به چه شکلی تحت تأثیر قرار گرفته‌اند؟

پیشینه پژوهش

کوچه در شهرهای تاریخی ایرانی یکی از موضوعات مورد علاقه پژوهشگران ایرانی بوده است (جدول ۱). منصور (Mansouri, 2021) در مقاله‌ای ضمن مطرح کردن ایده «کوچه به مثابه یک منظر»، تلاش کرد که این عنصر شهری در بافت تاریخی شهرهای ایرانی-اسلامی را به عنوان پدیده‌ای متفاوت از معبر معرفی کند و چارچوبی را برای مطالعه ابعاد عینی-ذهنی منظر کوچه با رویکردی کل‌نگر ارائه دهد. پیشتر منصور (Mansouri, 2013) در مقاله‌ای دیگر، ضمن بحث سازمان فضایی در شهر اسلامی ایران، از کوچه به عنوان یکی از عناصر اصلی شکل‌دهنده سازمان فضایی نام برده است. در پژوهشی دیگر شعبانی و منصور (Shabani & Mansouri, 2021)، به مفهوم قلمرو در کوچه، چگونگی شکل‌گیری، عناصر و اجزای اثرگذار بر آن پرداختند. شعبانی و همکاران (Shabani et al., 2024) در مقاله‌ای دیگر، با تأکید مجدد بر مفهوم قلمرو در کوچه، مؤلفه‌های کالبدی و رفتاری سازنده قلمرو در کوچه‌های محله‌های شهرهای تاریخی ایرانی را به بحث گذاشتند. همچنین عبدی ملک کلایی و همکاران (Abdi Malek Kalaei et al., 2021)، در پژوهش خود تلاش کردند با تأکید بر جنبه‌های ذهنی کوچه، مؤلفه‌های معنایی مستتر در کوچه‌ها به عنوان اندامی از شهر ایرانی را از طریق مطالعه موردی بافت تاریخی شهر

روش پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت، کیفی است که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. مراحل انجام پژوهش به طور کلی از دو بخش تشکیل شده است. در مرحله نخست، تلاش شد مؤلفه‌های منظرین کوچه در محور «خیمه‌گاه- شهدا- لب خندق» در ارتباط با رودخانه دز شناسایی شوند. در گام بعدی، پس از شناسایی ابعاد عینی-ذهنی منظر کوچه در محور مطالعاتی، تحولات رخ داده بر آن‌ها در نتیجه فرایند توسعه شهری بررسی و نسبت فرایند توسعه شهری با ویژگی‌های منظرین کوچه در ارتباط با رودخانه مطالعه شدند. روش جمع‌آوری داده در این پژوهش نیز به طور کلی مبتنی بر بازدید میدانی و روش کتابخانه‌ای است. برای این منظور، در بازه زمانی بین ششم تا هشتم آذر ماه سال ۱۴۰۳، بازدید میدانی از بافت تاریخی شهر دزفول و محور «لب خندق- شهدا- خیمه‌گاه» توسط نگارندگان مقاله انجام شد. در طی این بازدید، با استفاده از روش مشاهده، مصاحبه و گفتگو با شهروندان در بازه سنی بین ۳۰ تا ۶۰ سال در محدوده مطالعاتی^۱ و همچنین با بهره‌گیری از ابزارهایی نظیر

خود با تحلیل داده‌های اقلیمی مربوط به جریان باد در دو محدوده در بافت تاریخی شهر دزفول، تأثیرات حاصل از عوامل کالبدی روی سرعت و جهت جریان باد را مطالعه کردند. امانپور و همکاران (Amanpour et al., 2016)، نیز با مطالعه بافت تاریخی دزفول، چگونگی به‌کارگیری عوامل و عناصر پدافند غیرعامل در شهر دزفول را کنکاش کردند. با بررسی بدنه پژوهشی مرتبط با عنوان این مقاله می‌توان بیان کرد که به‌طور کلی مطالعه کوچه و منظر ناشی از آن در بافت تاریخی شهر دزفول و همچنین چگونگی تحول آن در نتیجه توسعه شهری معاصر، موضوعی است که کمتر توجه پژوهشگران مختلف را به خود جلب کرده است (جدول ۲). بر همین اساس، این پژوهش با در نظر گرفتن شکاف پژوهشی موجود در زمینه مطالعات بافت تاریخی شهر دزفول تلاش خواهد کرد از طریق مطالعه منظر کوچه در بافت تاریخی شهر دزفول، ضمن تکمیل بدنه پژوهشی مرتبط، به بسط و گسترش ادبیات علمی در حیطه مطالعات کوچه پردازد.

جدول ۱. پژوهش‌های انجام‌شده در ارتباط با مفهوم کوچه در میان پژوهشگران ایرانی. مأخذ: نگارندگان.

مأخذ	زمینه پژوهش
Mansouri (2013)	کوچه عنصری اصلی تشکیل‌دهنده سازمان فضایی شهر ایرانی-اسلامی
Abdi Malek Kalaei et al. (2021)	مطالعه جنبه‌های ذهنی منظر مستتر در کوچه
Mansouri (2021)	معرفی کوچه به‌مثابه یک منظر
Shabani & Mansouri (2021)	بررسی مفهوم قلمرو در کوچه
Shabani et al. (2024)	شناسایی مؤلفه‌های کالبدی و رفتاری قلمرو در کوچه
Maghsoudi et al. (2025)	شناسایی مؤلفه‌های منظرین کوچه در بافت تاریخی یزد

جدول ۲. رویکردها و زمینه‌های پژوهشی موجود در ارتباط با مطالعات بافت تاریخی شهر دزفول. مأخذ: نگارندگان.

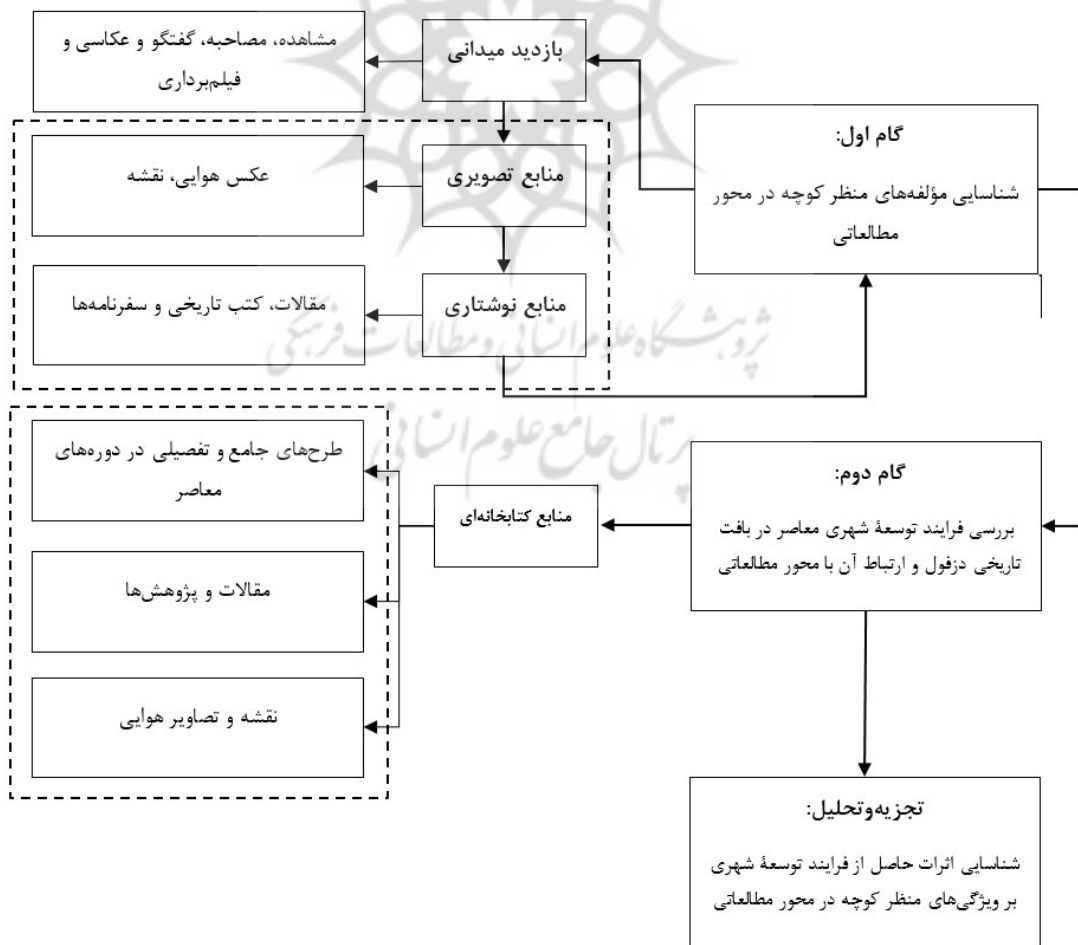
رویکرد	مأخذ	شرح
	Hataminejad et al. (2017)	راهبردهای توسعه گردشگری مذهبی در بافت تاریخی
گردشگری	Azad et al. (2019)	مطالعه اندام دستکند به‌منظور توسعه گردشگری پایدار در بافت تاریخی
	Mavedat (2022)	رویکرد گردشگری در امکان شبکه برن‌سازی در بافت تاریخی
اقلیمی	Eyni & Taban (2019)	مطالعات اقلیمی جریان باد در محدوده بافت تاریخی
مدیریت سانه	Amanpour et al. (2016)	مطالعه عوامل پدافند غیرعامل در بافت تاریخی
هویت	Taban & Pourjfar (2008)	بازشناسایی هویت بافت تاریخی در فرایند توسعه شهری
	Masoudi Nejad (2022)	مطالعه اندام بازار در بافت تاریخی دزفول
	Mahmoodi & Mansourpour (2017)	عوامل کالبدی اثرگذار بر تعاملات اجتماعی در محلات بافت تاریخی
	Momeni & Soltani (2018)	شناسایی تأثیر آیین بر مراکز تجمع در بافت تاریخی
کالبدی-فضایی	Mardani (2022)	فضاهای عمومی و نقش آن‌ها در ایجاد روابط اجتماعی فعال
	Lorzangeneh et al. (2024)	شناسایی مؤلفه‌های محسوس و نامحسوس کالبدی در ساختار محلات بافت تاریخی
	Mehrgan (2024)	مطالعه بافت تاریخی و چگونگی ارتباط آن با بافت مدرن شهر دزفول

این مفهوم نه تنها تأثیر به‌سزایی بر کیفیت زندگی انسان دارد، بلکه با درک وی از الگوها و فرایندهای محیطی و همچنین شناخت زیبایی‌های طبیعی و مصنوعی پیوندی ناگسستنی برقرار می‌کند (Mansouri & Shafia, 2021). منظر در حقیقت بازتابی از تعامل انسان با محیط است (Atashinbar, 2009) که در آن ابعاد فیزیکی با ابعاد معنایی ترکیب می‌شود و به‌عنوان پدیده‌ای مکان‌مند بروز می‌یابد (Maghsoudi et al., 2024). به همین دلیل، منظر به‌مثابه یک پدیده نه‌تنها دارای ابعاد بیرونی و عینی است، بلکه ابعاد ذهنی آن نیز در ساختار ادراکی انسان به‌عنوان ساکن محیط وجود دارد (Sabokro et al., 2022). منظر در طول تاریخ، تحت تأثیر تعاملات انسان با محیط و در چارچوب شرایط طبیعی، تاریخی، فرهنگی، آیینی و اقتصادی شکل گرفته است؛ به بیان دیگر، منظر نه‌تنها بازتابی از واقعیت عینی محیط است، بلکه حاصل تجربه‌ها، احساسات و ادراکات انسان از آن محیط نیز به شمار می‌رود (منصوری، ۱۳۸۹). این تعامل دوسویه، منظر را به پدیده‌ای تبدیل می‌کند که هم‌زمان هم عینی-ذهنی است و به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت مکانی و محیط زیست انسانی عمل می‌کند.

تصویر هوایی، عکاسی و فیلم‌برداری برداشت‌های اولیه از منظر کوچه در ارتباط با رودخانه دز انجام شد. در گام بعدی، به‌منظور تدقیق این مؤلفه‌ها در راستای فرضیه این پژوهش، با استفاده از منابع نوشتاری نظیر مقالات، کتب تاریخی و سفرنامه‌ها از یک‌سو و همچنین منابع تصویری از قبیل نقشه‌های تاریخی و تصاویر هوایی، نسبت این مؤلفه‌ها با عنصر رودخانه به‌طور مستقل بررسی شدند. در بخش بعدی، پس از شناسایی مؤلفه‌های منظرین کوچه در محور مورد مطالعه، با هدف بررسی تأثیرات حاصل از فرایند توسعه شهری بر این مؤلفه‌ها، از طریق رجوع به اسناد و منابع کتابخانه‌ای نظیر طرح‌های جامع و تفصیلی، طرح‌های توسعه شهری در بافت تاریخی شهر دزفول و همچنین پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، تحولات کالبدی ناشی از فرایند توسعه شهری در بازه‌های زمانی مختلف و تأثیرات حاصل از آن‌ها بر مؤلفه‌های منظرین کوچه بررسی شدند (تصویر ۲).

مبانی نظری • مفهوم منظر

منظر به‌عنوان بخشی از محیط زیست انسان، از طریق ادراک و تجربه او شکل می‌گیرد و درک می‌شود (Maghsoudi et al., 2020).



تصویر ۲. نمودار نشان‌دهنده مراحل مختلف روش انجام پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

• کوچه پدیده‌های منظرین

واژه «کوچه» از ترکیب «کوی» (محلّه) و «چه» (پسوند کوچک‌ساز) تشکیل می‌شود و به فضایی به‌مثابه یک محلّه کوچک اشاره دارد (Mansouri, 2021). از این‌رو، این واژه علاوه بر مفهوم حرکت، بر مکث و توقف در بستر فضایی خود نیز دلالت می‌کند (Shabani & Mansouri, 2021). کوچه صرفاً یک مسیر و یا معبر نیست، بلکه واجد جنبه‌های کیفی و معنایی است که آن را از راه‌های معمولی متصل‌کننده دو نقطه متمایز می‌سازد (Barati & Zarringhalam, 2013). در فرهنگ ایرانی، کوچه‌ها با صفاتی مانند کوچه باغ، کوچه بازار و کوچه بن‌بست همراه شده‌اند که نشان‌دهنده فعالیت‌ها و کیفیت‌های فضایی برآمده از تجارب جمعی و حافظه تاریخی است (bidi). کوچه در شهر ایرانی به‌عنوان مکانی برای زندگی جمعی و تعاملات اجتماعی عمل می‌کند. این فضاها بستری برای ارتباطات انسانی، تبادل اطلاعات و همیاری هستند و نقش مهمی در ایجاد حس تعلق به مکان، همبستگی اجتماعی و شکل‌گیری جامعه محلی ایفا می‌کنند (Maghsoudi et al., 2025). کوچه‌ها همچنین به‌عنوان رگ‌های حیاتی شهر، حامل تاریخ و خاطرات جمعی هستند و از طریق بافت تاریخی، معماری سنتی و عناوین خود، هویت شهری را حفظ می‌کنند (Mansouri, 2021). از این‌رو، حفظ کوچه‌ها در بافت تاریخی شهرها به معنای حفظ حافظه تاریخی و هویت شهری است (ibid.). از نظر عملکردی، کوچه حرکت افراد را از فضای خصوصی خانه به عرصه‌های عمومی مانند بازار و میدان تسهیل می‌کنند. با این حال، این فضای شهری علاوه بر تأمین دسترسی، میزبان رویدادهای فرهنگی و اجتماعی مانند مراسمات آیینی، گردهمایی‌ها و بازی‌های کودکانه نیز است. این ویژگی‌ها، کوچه را به عنصری کلیدی در جهت‌دهی، مسیریابی و خوانش فضای شهری تبدیل و به شکل‌گیری ارتباط هویتی میان افراد و محیط کمک می‌کند (Shabani & Mansouri, 2021). بنابراین کوچه‌ها علاوه بر آنکه عنصری کلیدی در استخوان‌بندی و ساختار محله‌ها محسوب می‌شوند، نقش مهمی را در شکل‌گیری نظم زیربنایی و یا همان ادراکی ساکنان از ساختار محله و در نگاهی کلان‌تر شهر را پدید می‌آورند (حبیبی، ۱۳۸۲). به‌واسطه این ویژگی‌ها، کوچه در سازمان فضایی شهر ایرانی می‌تواند به‌مثابه گونه‌ای از منظر شهری مورد توجه قرار گیرد که در بردارنده مجموعه‌ای از عناصر کالبدی، کارکردی و معنایی است که فهم ساکنان از محله و شهر را براساس خاطرات جمعی، تبادلات فرهنگی و تعاملات اجتماعی شکل می‌دهد؛ به همین دلیل، کوچه با توجه با ویژگی منظرین آن نه‌تنها به‌عنوان عنصری فیزیکی، بلکه به‌عنوان فضایی معنادار و اجتماعی، نقش مهمی در ساخت هویت شهری و تقویت حس تعلق شهری ایفا می‌کنند (Maghsoudi et al., 2025).

• بحث: یافته‌های پژوهش

• تأثیرات کالبدی رودخانه بر کوچه

اساساً شکل‌گیری بافت قدیم شهر دزفول که در دوره‌های تاریخی مختلف تحت‌تأثیر رودخانه دز بوده است (Mavedat, 2022). بافت قدیمی شهر دزفول از دو بخش شمالی و جنوبی تشکیل شده است. در بخش شمالی که محور مطالعاتی این پژوهش در آن قرار می‌گیرد، بخشی از شهر روی شیب حاشیه رودخانه پدید آمده است. به‌طور عمومی بافت شهر در نیمه شمالی به‌طور عمده در امتداد شرقی-غربی و به سمت رودخانه و لبه آن شکل گرفته‌اند. در این محدوده در برخی از نقاط مسیرهای دسترسی به حاشیه رودخانه، کوچه‌هایی با شیب تند هستند که در اصطلاح محلی به آن‌ها «بندار» گفته می‌شود؛ همچنین در نقاطی دیگر این کوچه‌ها به سبب شیب زیاد به معابری پله‌ای تبدیل می‌شوند تا دسترسی سریع و مستقیم از درون بافت به لبه رودخانه به‌عنوان مهم‌ترین عنصر طبیعی شهر فراهم شود (Masoudi Nejad, 2022). به همین صورت، محور لب خندق-شهدا-خیمه‌گاه نیز با تبعیت از این ساختار فضایی در قسمت شمالی بافت تاریخی دارای جهت‌گیری شرقی-غربی به سمت لبه رودخانه است. این جهت‌گیری در حالی است که در نیمه جنوبی بافت، جهت‌گیری کوچه‌ها و گذرها برخلاف قسمت

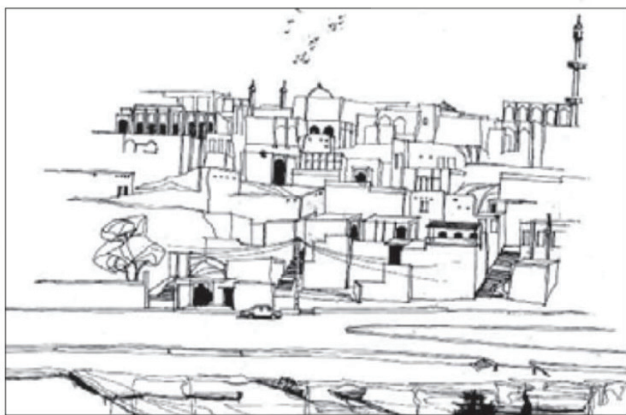


تصویر ۳. جهت‌گیری معابر و کوچه‌ها در نیمه شمالی بافت تاریخی شهر دزفول به سمت لبه رودخانه متأثر از توپوگرافی و شیب زمین. مأخذ: نگارندگان برگرفته از Masoudi Nejad, 2022.

ششم هجری شامل خندق برای حفاظت از شهر و همچنین آبرسانی به شهر دزفول بوده است (امام (اهوازی)، ۱۳۸۲). به گفته امام (اهوازی) (همان، ۱۱۵)، به نظر می‌رسد این خندق در واقع مسیل و خط تقسیم آب سیلاب‌های ناشی از بارش‌ها هستند که به‌طور طبیعی وجود داشته‌اند و از آن برای غیرقابل نفوذ ساختن و افزایش موقعیت دفاعی شهر در گذشته استفاده می‌کردند. این خندق که در حال حاضر پر و کوچه لب خندق نیز بر آن احداث شده است، علاوه‌بر نقش دفاعی، در عین حال به‌عنوان منبع آبیاری و دسترسی به منابع آبی رودخانه دز نیز عمل می‌کرده است و به همین دلیل، در ساختار شهری دزفول تأثیر اساسی داشته است (تصویر ۵). این خندق از نظر مکانی بین دو قلعه معروف شهر دزفول «قلعه بالا» و «قلعه پایین» (یکی برای افسران و دیگری برای سربازان) حفر شده بود. قلعه بالا از نظر مکانی در بخش شمالی مسجد محله «لب خندق» امروزی قرار می‌گرفته است و قلعه پایین در قسمت جنوبی محوطه مورد اشاره واقع شده که در پیرامون آن‌ها خندقی عریض و عمیق به‌طور نیم دایره حفر شده بود (همان، ۲۶۱۰۸). مسیر این خندق در برابر باغی به نام باغ «گازر» که امروزه به پارکی در لبه رودخانه دز است، از رودخانه دز جدا شده و پس از حرکت به‌سوی شرق از زیر آرامگاه «ملا رجب برسی» و محلات «کرناسیون» و «کتکون» گذشته و کمی جلوتر از شمال مسجد «لب خندق» گذر کرده و پس از پیمودن عرض خیابان امام خمینی فعلی وارد محله حیدر خانه شده و در ادامه از مکانی به نام «قل ن» به صحرای اطراف شهر دزفول می‌ریخته است (همان، ۱۰۰) (تصویر ۵).

• تأثیرات ذهنی رودخانه بر کوچه

رودخانه دز علاوه‌بر اثرگذاری بر ابعاد عینی، پدیدآورنده معانی و جنبه‌های ذهنی منحصربه‌فردی در ارتباط با کوچه در بستر تاریخی شهر دزفول بوده است. به‌طور کلی، مراسم آیینی به‌ویژه عزاداری ایام محرم در شهر دزفول جایگاه ویژه‌ای دارد، به‌نحوی که آیین‌ها و رسوم مختلفی در ارتباط با این



تصویر ۴. جهت‌گیری کوچه‌ها و ساختمان‌ها در بافت تاریخی دزفول به سمت رودخانه دز. مأخذ: Taban & Pourjfar, 2008.

شمالی در امتدادی شیب طبیعی شمالی جنوبی شکل گرفته است، به همین دلیل، در این بخش از شهر دسترسی مستقیم از درون بافت و محلات به لبه رودخانه وجود ندارد (ibid.). (تصویر ۳). بنابراین بایستی این‌گونه بیان کرد که توپوگرافی و شیب طبیعی زمین‌های پیرامون رودخانه عامل مهمی در جهت‌گیری کوچه‌ها در بافت پیچیده و درهم‌تنیده این بخش از شهر بوده است (Amanpour et al., 2016)، به همین دلیل، نیز محور مطالعاتی این پژوهش متأثر از این ویژگی دارای جهت‌گیری به سمت رودخانه است.

از طرف دیگر، با توجه به جای‌گیری بافت قدیم شهر دزفول در کنار رودخانه دز، نقش رودخانه به‌عنوان تعدیل‌کننده دمای هوا می‌تواند به‌عنوان عامل دیگری در جهت‌گیری کوچه‌ها در محور مطالعاتی این پژوهش در نظر گرفته شود. اساساً شهر دزفول دارای آب‌وهوای گرم و نیمه‌مرطوب و درجه حرارت تابستان متجاوز از ۵۵ سانتی‌گراد است (Taban et al., 2012). از این‌رو، آفتاب شدید و دمای بالا به همراه با رطوبت نسبی اصلی‌ترین معضل اقلیمی این شهر به‌شمار می‌رود (Azad et al., 2019). رودخانه دز، به‌واسطه بادهایی که از روی سطح رودخانه عبور می‌کنند و به سمت بافت تاریخی شهر دزفول می‌وزند و در نتیجه تبخیر سطحی، به‌مثابه یک سیستم تهویه شهری بزرگ مقیاس عمل می‌کند و سبب خنک‌کردن و تهویه هوا در بافت تاریخی دزفول می‌شود (Taban & Pourjfar, 2008). به همین دلیل جهت‌گیری کوچه‌ها، معابر و همچنین ساختمان‌ها در بافت به سمت باد مطلوب و لبه رودخانه بوده است تا از این طریق نسیم خنکی که از سمت رودخانه می‌وزد به مانند یک سیستم تهویه شهری عمل نموده و به خنک‌سازی کوچه‌ها کمک کند (Eyni & Taban, 2019) (تصویر ۴). جریان باد از سوی رودخانه، در کنار سایه ایجادشده توسط دیوارهای بلند در کوچه‌هایی با عرض کم در بافت تاریخی نقش مهمی را در کاهش دما و رطوبت در شهر دزفول ایفا می‌کنند (Taban & Pourjfar, 2008). متأثر از این ویژگی و شرایط، کوچه‌ها در محور مورد مطالعه، نیز به سبب بهره‌گیری از باد مطلوب و تعدیل شرایط اقلیمی دارای جهت‌گیری شرقی-غربی به سمت رودخانه‌اند (تصویر ۴).

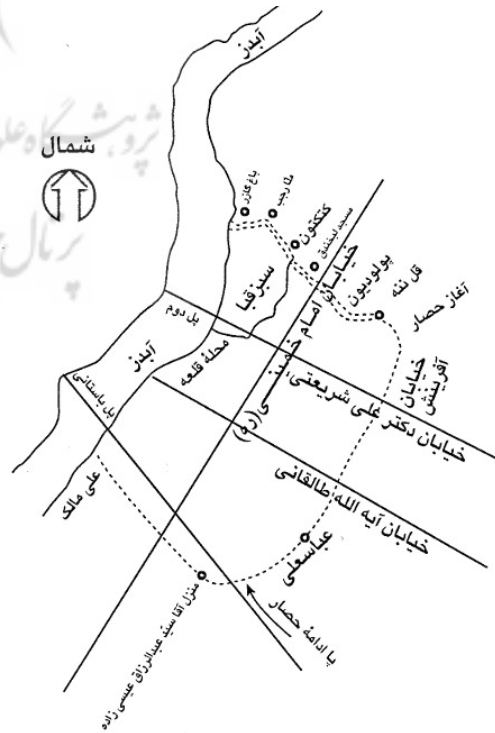
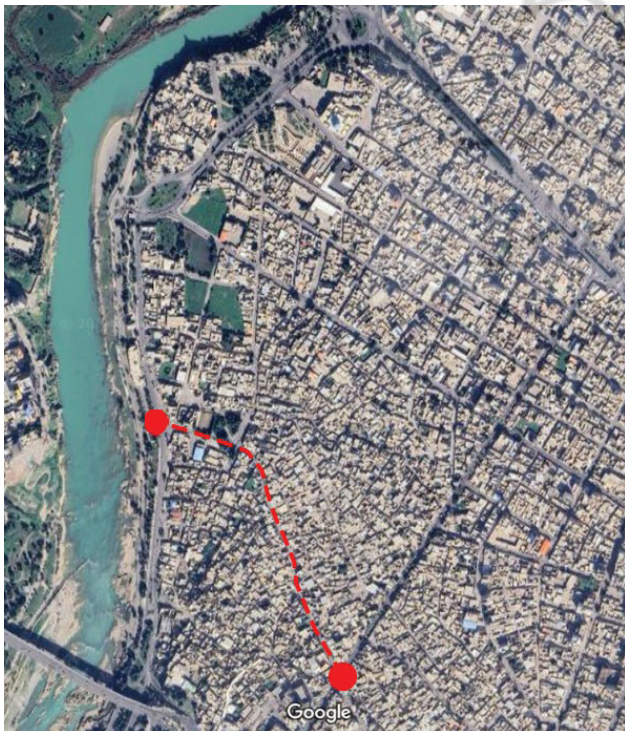
علاوه‌بر تأثیرات کلان رودخانه دز بر ساختار فضایی کوچه‌ها و جهت‌گیری آن‌ها در محور «لب خندق- شهدا- خیمه‌گاه»، این محور از نظر موقعیت مکانی نیز متأثر از رودخانه دز بوده است. در واقع بخشی از محور مطالعاتی، روی خندقی تاریخی بنا شده است که از رودخانه دز در ساحل شرقی آن منشعب می‌شده است. کوچه «لب خندق» که وجه تسمیه آن از این خندق تاریخی گرفته شده است و از محله‌های قدیمی حیدر خانه و لب خندق عبور می‌کرده است، روی حصار تاریخی شهر در دوران آل‌بویه قرار گرفته است. این حصار در سده‌های پنجم و

محلها دیگر عبور می‌کنند و به دسته‌های عزاداری دیگر می‌پیوندند و همزمان آیین‌هایی از قبیل سینه‌زنی، نوحه‌خوانی، و زنجیرزنی را اجرا می‌کنند (ibid.). در این مسیرها، مساجد، تکایا، حسینیه‌ها و بقعه‌ها قرار دارند که معمولاً مکان استقرار گروه‌های عزاداری هر محله محسوب می‌شوند و در طی مراسم عزاداری به‌مثابه نقاط کانونی جذب جمعیت عمل می‌کنند (Mardani, 2022).

محور «لب خندق- شهدا- خیمه‌گاه» یکی از مسیرهای اصلی و مهم در طی مراسم آیینی محرم به‌شمار می‌رود. در واقع دسته‌های عزاداری در مراسم صبح عاشورا پس از عبور از محله‌های مختلف، نهایتاً به کوچه «لب خندق» وارد می‌شوند و پس از گذر از کوچه «شهدا» و همچنین «خیمه‌گاه»، در ظهر عاشورا در مکانی به نام بقعه «امامزاده رود بند» در لبه رودخانه دز گرد می‌آیند و مراسم آیینی مرتبط با این روز را برگزار می‌کنند. این مسیر حرکت و نهایتاً رسیدن به لبه رودخانه دز، می‌تواند خوانشی نمادین از روایت مرتبط با بسته‌شدن آب به روی لشکریان حسین بن علی باشد، جایی که افراد مشارکت‌کننده در این آیین با گذر از کوچه‌های «لب خندق»، «شهدا» و «خیمه‌گاه» خود را به رودخانه دز، به‌مثابه نماد آب و نهر علقمه می‌رسانند، به یاد تشنگی و رنج وارده بر امام سوم شیعیان سوگواری و عزاداری می‌کنند. به‌واسطه این رویداد مذهبی، محور «لب خندق-شهدا-خیمه‌گاه» به‌گذر آیینی بدل می‌شود که اساساً به‌واسطه مفهوم رودخانه در ذهنیت شهروندان ادراک می‌شود.

از طرف دیگر، نقطه پایانی این محور، یعنی بقعه «امامزاده رود

مراسم وجود دارد که بسیاری از شهروندان دزفولی در آن مشارکت دارند (Hataminejad et al., 2017). اساساً مراسم عزاداری محرم در پیوند مستقیم با مفهوم آب معنا می‌یابد. آب در فرهنگ ایرانی همواره به‌عنوان مظهر حیات، رحمت و پاکی شناخته شده است (فروغی ابری، ۱۳۸۲). با این حال، واقعه عاشورا و روایت‌های مرتبط با آب در این رویداد سبب تقدس یافتن آب و تولید جنبه‌های ذهنی ویژه‌ای در ارتباط با آن در اذهان ایرانیان شده است. در روایات تاریخی واقعه عاشورا آب بازیگر ویژه‌ای است، جایی که بسته‌شدن مسیر دسترسی به نهر آب «علقمه» روی لشکریان حسین بن علی، امام سوم شیعیان به‌عنوان حربه نظامی جهت شکست او و لشکریانش استفاده شد. از این رو، آب و حضور آن در مراسم عاشورا و همچنین فرهنگ آیینی ایرانیان دارای جایگاه ویژه‌ای است به شکلی که نمادهایی هم‌چون «سقا» یا «سقاخانه» می‌تواند در این زمینه مورد توجه قرار گیرد (شهلا، ۱۳۹۹). مراسم سوگواری محرم در شهر دزفول آیینی تاریخی و ریشه‌دار است و به‌عنوان یک عنصر هویت شهری به‌شمار می‌رود؛ در این مراسم بناهای شاخص شهری و همچنین محورها و نشانه‌های شهری نقش کلیدی را ایفا می‌کنند، وجود مساجد فراوان، اماکن متبرکه، بقاع و زیارتگاه‌ها متعدد، فضاهای شهری و محورهای متعدد همگی نمودی از جایگاه این آیین شیعی در دزفول دارد (Momeni & Soltani, 2018). در مراسم عزاداری در دهه محرم، هیأت‌های عزاداری هر روز عصر به‌هنگام اذان مغرب و تا نیمه شب معمولاً در قالب دسته‌هایی در محورها و کوچه‌های شهر به حرکت در می‌آیند و بر سر راه خود از



تصویر ۵. موقعیت مکانی خندق تاریخی دزفول که کوچه لب خندق روی آن احداث شده است. مأخذ: نگارندگان برگرفته از Google map و امام (هوازی)، ۱۳۸۲.

نقش برجسته‌ای را ایفا کرده‌اند، به نحوی که ارتباط تنگنگی با محورها و کوچه‌های شهری دزفول داشته‌اند. به همین دلیل، اغلب در نقاط استراتژیک محلات نظیر مرکز محله یا گذر اصلی محله قرار می‌گرفتند (تصویر ۶). قرارگیری بقعه «امامزاده رودبند» روی مکان انشعاب رودخانه دز به قمش می‌تواند در ارتباط با روایات اسطوره‌ای مرتبط با این شخص و نقش آن در کنترل آب رودخانه دز نیز مورد توجه قرار گیرد و سبب تقویت تصویر ذهنی شهروندان از این مکان و پیوند آن با رودخانه و همچنین محور «لب خندق - شهدا - خیمه‌گاه» عمل کند. در عکس هوایی سال ۱۳۳۵، مسیر میل‌های این قمش‌ها در ساحل شرقی رودخانه دز قابل مشاهده است. این قمش‌ها که «دردونه» یا مسیر آبیگر آن‌ها به منطقه رودبند منتهی می‌شود، گواهی‌بر ارتباط این مکان با سیستم‌های آبرسانی و تأمین آب از رودخانه دز است (بهنیا، ۱۳۷۰) (تصویر ۷).

• توسعه شهری معاصر و تحولات کوچه

شهر دزفول در حدود ۱۸ قرن پیش و در سال ۲۶۰ میلادی توسط شاهپور ساسانی، پس از غلبه بر روم و با اسکان جمعیتی در آن بنا شد؛ و در قرن چهارم و پنجم هجری تا زمان قاجار گسترش پیدا کرد (Mehrgan, 2024). شهر دزفول تا دوران معاصر دارای یک حصار شهری بود که در دوران صفویان پیرامون آن ساخته شده بود؛ بافت شهری دزفول در دوران اولیه شهرنشینی تا اواخر قاجار، با تبعیت از الگوهای شهرسازی سنتی، دارای ساختاری ارگانیک بود که عموماً به صورت شعاعی گسترش یافته بود (تصویر ۸) (Taban & Pourjfar, 2008). گسترش شهری جدید در دوران معاصر، بعد از سال ۱۳۱۰ شمسی همزمان با دوره پهلوی اول آغاز شد (Momeni & Soltani, 2018). در این مرحله در راستای تحولات سیاسی و اقتصادی، بافت شهری تحولاتی را تجربه کرد

بند»، عنصر دیگری است که در پیوند با رودخانه دز معنا می‌یابد. این بقعه در لبه رودخانه دز، که در مکانی ویژه واقع شده است، به شخصی به نام «سید سلطان علی سیاه‌پوش» معروف به «پیر رودبند» منسوب شده است (تصویر ۶). براساس روایت‌های محلی این شخص از نوادگان امام هفتم شیعیان بوده است که برای تبلیغ آیین تشیع در دزفول حضور می‌یابد، با این حال، پس از بی‌توجهی ساکنان دزفول به دعوت او، این شخص آب رودخانه دز را در فرایندی اسطوره‌ای بند می‌آورد تا به‌واسطه این معجزه، مردمان دزفول را به پذیرش آیین شیعی دعوت کند. از این پس در اذهان شهروندان دزفولی، این شخص به‌عنوان «آقا رودبند» یا «پیر رودبند» شناخته شده است و بقعه اختصاص‌یافته به او به‌عنوان یکی از مکان‌های مذهبی و آیینی شهر شناخته شده است. این روایت به روشنی اهمیت رودخانه دز را در ذهنیت مردم و ارتباط آن با باورهای مذهبی و اجتماعی نشان می‌دهد (امام (اهوازی)، ۱۳۸۲).

علاوه‌بر این ارتباط ذهنی، این بقعه در ارتباط با زیرساخت‌های تاریخی آبی در شهر دزفول نیز قابل بررسی است. براساس تصاویر تاریخی و همچنین نقشه‌های قدیمی از دزفول، بقعه «امامزاده رودبند» نقطه آغازین مسیر آبیگری یکی از «قمش‌ها» تاریخی شهر دزفول بوده است. قمش در واقع سیستم آبرسانی در بافت قدیمی دزفول براساس بهره‌گیری از آب رودخانه دز است. این زیرساخت آبی عموماً برای تأمین آب آشامیدنی و کشاورزی استفاده می‌شود و مستقیماً به رودخانه دز به‌عنوان منبع آب متصل است. قمش‌ها از نظر کارکردی دارای شباهت‌های زیادی با قنات دیگر زیرساخت آبی معروف ایرانی‌اند با این تفاوت که قنات عموماً متکی بر چشمه‌های آبی زیرزمینی است در حالی که قمش در دزفول مبتنی بر رودخانه دز است. قمش‌ها در شکل‌گیری بافت تاریخی دزفول

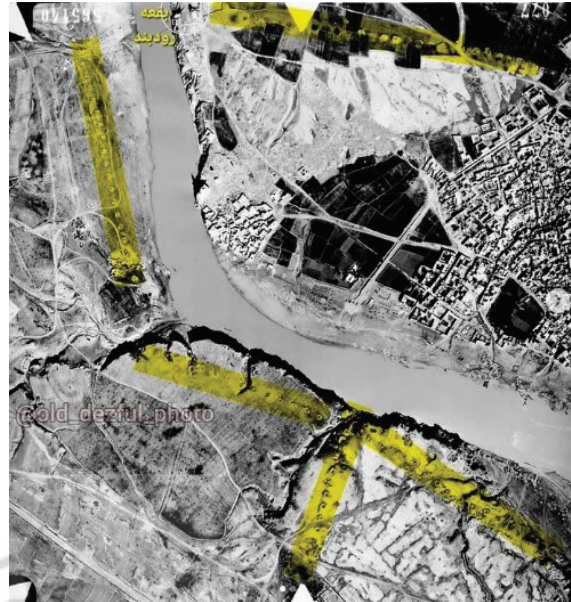


تصویر ۶. مکان قرارگیری «قمش‌ها» و «سرطق‌ها» در بافت تاریخی دزفول. مأخذ: نگارندگان برگرفته از امام (اهوازی)، ۱۳۸۲.

که از نظر کالبدی و در پی گسترش شهر، حصار پیرامون بافت تاریخی به طور کامل از بین رفت و خیابان‌های جدیدی با شکلی شطرنجی و به تقلید از شهرهای اروپایی احداث شد که بافت شهری را بریده و انتها و ابتدای آن را به هم وصل می‌نمودند (Taban & Pourjfar, 2008). این خیابان‌ها که از آن‌ها به‌عنوان خیابان نفوذی یاد می‌شود و ریشه آن به دوره رنسانس از اروپا باز می‌شود، به شکلی مستقیم و به‌صورت ستاره‌ای یا عمود بر هم بافت موجود را برش داده و به‌مثابه نمودی بیانگر اقتدار حاکمیت بر جامعه و مداخلات قاطع و دستوری در شهر شناخته می‌شدند (Atashinbar, 2015). این خیابان‌کشی در دوره پهلوی سبب گسیختگی در ساختار و روابط درونی بافت تاریخی شهر دزفول شد (Taban & Pourjfar, 2008). در دهه‌های بعدی علی‌الخصوص بین سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۴۵ شمسی با افزایش جمعیت و رشد تعداد خانوار و به تبع نیاز به واحدهای مسکونی بیشتر، دزفول در خارج از بافت تاریخی شهر رشد کرد و در جهت جنوب و شرق، شمال توسعه یافت (Sheykh Beyglou & Negahban, 2017). توسعه دزفول در دهه ۵۰ و ۷۰ شمسی در نتیجه دو برابر شدن جمعیت شهر و احداث پل بر روی رودخانه دز و افزایش ارتباطات بین شرق و غرب رودخانه، دوره جدیدی را طی نمود که در نتیجه آن، محلات مسکونی و سایت‌های اداری جدید در آن سوی رودخانه در سمت غرب دز احداث شدند؛ همچنین در داخل بافت قدیمی دزفول، در این دوره توسعه‌هایی صورت می‌گیرد که در نتیجه آن‌ها تأثیرات عمیق‌تری بر محلات و محورهای تاریخی دزفول پدید آمد (ibid.). در این دوره با افزایش اهمیت خیابان و حمل و نقل موتوری و تسلط سواره، بسیاری از کوچه‌ها و گذرها در بافت تاریخی دزفول با هدف تسهیل حرکت خودرو اصلاح و تعریض شدند. این اقدام سبب تخریب بسیاری از کوچه‌ها، تغییر عرض آن‌ها و همچنین تبدیل شدن این اندام‌های تاریخی به خیابان‌هایی خودرو محور شد؛ که این تحول در کنار جریان مداوم استفاده از مصالح جدید، مد پرستی و احداث نماهای بی ارزش و فاقد هویت در درون بافت تاریخی، سبب ایجاد تعارضات جدی با معماری کهن بافت و نابودی عناصر تشکیل‌دهنده منظر کوچه در بسیاری از بخش‌های محلات تاریخی شده است (Taban & Pourjfar, 2008).

در نتیجه این توسعه شهری در دوران معاصر در شهر دزفول، محور متشکل از کوچه‌های «لب خندق»، «شهدا» و «خیمه‌گاه» نیز دچار تحول شده است. در گام نخست، احداث خیابان‌های نفوذی در قالب خیابان «امام خمینی»، «آیت‌الله قاضی»، «میرداماد»، «رودکی» و همچنین بولوار ساحلی، سبب انقطاع فضایی و گسیختگی کالبدی امتداد محور کوچه‌ها در طول آن‌ها، علی‌الخصوص در نزدیکی بقعه «امام‌زاده رود بند» شده است که این امر ضمن تأثیرگذاری بر یکپارچگی فضایی محور، ادراک کوچه‌ها را یک محور واحد تا حدودی تحت تأثیر قرار داده است (تصویر ۹). از طرف دیگر، متأثر از اقدامات تعریضی، بدنه‌های تاریخی ساختمان‌های موجود در

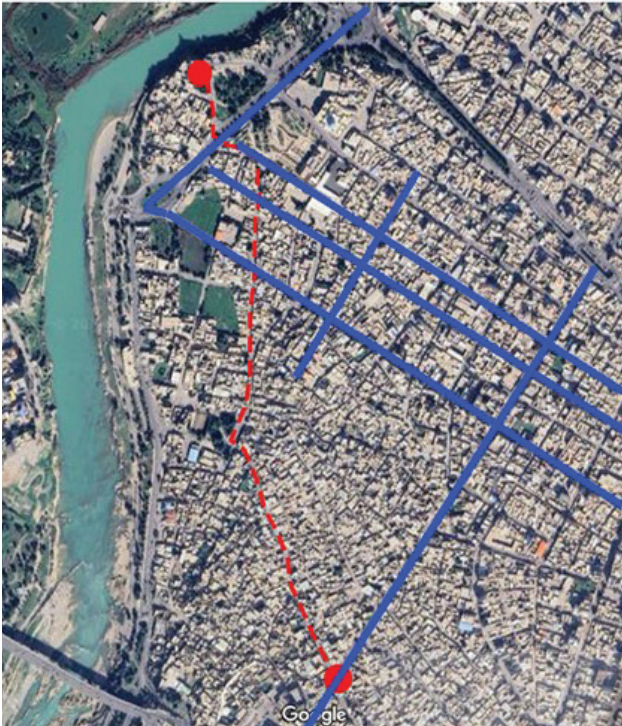
که از نظر کالبدی و در پی گسترش شهر، حصار پیرامون بافت تاریخی به طور کامل از بین رفت و خیابان‌های جدیدی با شکلی شطرنجی و به تقلید از شهرهای اروپایی احداث شد که بافت شهری را بریده و انتها و ابتدای آن را به هم وصل می‌نمودند



تصویر ۷. مکان قرارگیری بقعه «امام‌زاده رودبند» روی نقطه آغازین یکی از قمش‌های دزفول و همچنین نمایی از میله‌های قمش‌های دزفول. مأخذ: بهنیه، ۱۳۷۰.



تصویر ۸. بافت تاریخی شهر دزفول در آغاز دوره پهلوی. مأخذ: نگارندگان برگرفته از Taban & Pourjfar, 2008.



تصویر ۹. گسستگی ساختار کوچه‌ها در نتیجهٔ احداث خیابان‌های نفوذی در بافت تاریخی شهر دزفول. مأخذ: نگارندگان برگرفته از Google map.



تصویر ۱۰. مقطع کوچه در محور مطالعاتی و تأثیرات کالبدی حاصل از تعریض با هدف تسهیل حرکت سواره. مأخذ: نگارندگان.

هدف بهره‌گیری اقلیمی از رودخانهٔ دز و همچنین بناشدن این کوچه‌ها روی یک خندق تاریخی منشعب از رودخانهٔ دز همگی دالی بر تأثیرات کالبدی رودخانه بر این کوچه‌هاست. علاوه بر این، تصویر ذهنی این کوچه‌ها نیز تحت تأثیر رویدادهای فرهنگی در قالب مراسم سوگواری شیعیان برای حسین بن علی (ع)، امام سوم شیعیان و تبدیل شدن آن‌ها به یکی از گذرهای آیینی اصلی شهر و همچنین روایات تاریخی مرتبط با «امام‌زاده رودبند» به عنوان شخصیتی تاریخی مرتبط با رودخانهٔ دز، ادراک شده است. از طرف دیگر، یافته‌های این پژوهش آشکار کرد که توسعهٔ شهری معاصر متأثر از رویکردهای کالبدی و خودرومحور از دورهٔ پهلوی به

این محور در بخش‌هایی به‌طور کلی تخریب شده‌اند و در نتیجهٔ عقب‌نشینی آن‌ها، مقطع کوچه و عرض آن تغییر یافته است، به نحوی که این کوچه‌ها با عرض کمتر از شش متر و بالطبع ضریب نفوذپذیری پایین، به خیابان‌هایی خودرومحور، با عرض نزدیک به ۱۲ متر تبدیل شده‌اند که در آن‌ها با تسلط خودرو و وسایل نقلیهٔ موتوری، اساساً فضایی برای حرکت عابر پیاده وجود ندارد (Lorzangeneh et al., 2024). علاوه بر این‌ها، احداث نماهای ساختمانی بی‌ارزش و استفاده از مصالح بی‌ارتباط با هویت تاریخی این کوچه‌ها نظیر بلوک‌های سیمانی و آجرهای ماشینی، درهای آهنی، بازشوهای تجهیزات خنک‌کننده و همچنین تأسیسات مرتبط با زیرساخت‌های شهری از قبیل تیرهای بتنی روشنایی و یا ترانس‌های برق شهری، عوامل دیگری محسوب می‌شوند که کلیت بصری و سیمای کوچه‌های تاریخی در محور مورد مطالعه را تحت تأثیر قرار داده‌اند. به‌واسطهٔ این مداخلات کالبدمحور و همچنین نامتجانس با هویت بافت تاریخی، کوچه‌ها امروزه با معضلاتی نظیر آشفته‌گی بصری، کالبدی و هویتی مواجه‌اند که در نتیجهٔ این امر، ادراک منظر آن‌ها که از مجموعه‌ای از ابعاد عینی - ذهنی منحصر به فرد در ارتباط با رودخانهٔ دز در طول تاریخ تشکیل شده بود را دچار اختلال کرده است. در واقع به‌واسطهٔ اقدامات رخ داده امروزه تأثیر و ارتباط رودخانه با کوچه بسیار کم‌رنگ‌تر از پیش شده است. عدم امتداد فضایی به سمت رودخانه، تغییر مقاطع کوچه، تأکید بر حضور ماشین و تخریب نشانه‌های تاریخی در کوچه‌ها همگی در واقع انعکاسی از این واقعیت‌اند (تصویر ۱۰).

نتیجه‌گیری

این پژوهش تلاش کرد تا به بررسی اندام کوچه به‌عنوان یکی از مهمترین عناصر سازمان فضایی شهر ایرانی - اسلامی در بستر بافت تاریخی دزفول بپردازد. فرضیهٔ اصلی این پژوهش بر این اساس بود که کوچه در بافت تاریخی شهر دزفول به‌عنوان یک شهر-رودخانه تحت تأثیر رودخانهٔ دز به‌عنوان مهم‌ترین عنصر طبیعت پیرامونی بوده است که این تأثیر تنها در حوزهٔ فیزیکی و کالبدی محدود نبوده است؛ بلکه جنبه‌های معنایی و ذهنی کوچه را نیز شامل می‌شود. یافته‌های این پژوهش بر اساس مطالعه موردی محور متشکل از کوچه‌های «لب خندق»، «شهدا» و «خیمه‌گاه» ضمن تأیید فرضیهٔ این پژوهش نشان داد که کوچه‌های این محور در بافت تاریخی دزفول از نظر جهت‌گیری، شکل‌گیری، موقعیت مکانی و همچنین ابعاد ذهنی و معنایی، روایات آیینی و اسطوره‌ای تحت تأثیر رودخانهٔ دز بوده‌اند. در واقع جهت‌گیری بر اساس شیب زمین‌های لبهٔ رودخانه به جهت تسهیل دسترسی به آن، همچنین شکل‌گیری کوچه‌ها با

است که در نتیجه آن ابعاد ذهنی و کالبدی منحصربه‌فرد این محور دچار بی‌توجهی شده‌اند. به‌همین دلیل، احیای نقش رودخانه، چه در ذهنیت مردم و چه در ساختار فیزیکی این محور، نیازمند رویکردی ویژه‌ای است که ارتباط این محور با عنصر رودخانه را تقویت و ارزش‌های منظرین آن را حفظ و تقویت کند.

اعلام عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است.

این سو در بافت تاریخی دزفول عنصر کوچه را تحت‌تأثیر خود قرار داده است. در واقع اقدامات و مداخلاتی از قبیل خیابان‌کشی نفوذی در محلات تاریخی و همچنین تعریض کوچه‌ها از طریق تخریب جداره‌های ارزشمند تاریخی بناهای قدیمی، سبب گسیختگی فضایی، آشفستگی بصری، کالبدی، هویتی کوچه‌های محور «لب خندق - شهدا - خیمه‌گاه» شده است. از این رو، می‌توان بیان کرد که منظر کوچه در این محور که در ارتباطی عمیق با رودخانه و عنصر آب در طول تاریخ شکل گرفته است، در فرایند توسعه شهری در بافت تاریخی متأثر از نگاهی مکانیکی آسیب دیده و متحول شده



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها

* بهره‌بردن از حافظه و خاطرات جمعی عمیق‌تر در ارتباط با محور مطالعاتی برگزیده شدند. تمامی مصاحبه‌ها در هنگام بازدید میدانی تیم پژوهشی از محور مطالعاتی انجام شده است و تمامی مصاحبه‌شوندگان در زمان بازدید در محور مطالعاتی حضور داشتند. افراد مصاحبه‌شونده شامل ۲۰ نفر بودند که از ترکیب جمعیتی ۱۲ نفر آقا و هشت نفر خانم تشکیل شده بودند. در این مصاحبه از افراد مشارکت‌کننده خواسته شد تا رویدادهای خاطرات یا روایاتی که در ارتباط با پیوند رودخانه و محور مطالعاتی وجود دارد را بازگو کنند.

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «رویکرد مکان‌محور در برنامه‌آمایش سرزمین (مطالعه موردی: نقش سازه‌های آبی در تعامل رودخانه با شهرهای شوش، شوشتر و دزفول)» است که به سرپرستی دکتر «سید امیر منصوری» در پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر در سال ۱۴۰۳ انجام شده است.
۱. فرایند مصاحبه به شکلی ساختارنیافته و به‌صورت گفتگویی ۱۵ تا ۲۰ دقیقه‌ای با مصاحبه‌شوندگان در بازه سنی ۳۰ تا ۶۰ سال انجام گرفت. این گروه سنی به دلیل

- the strategies of religious tourism development in Dezfoul city. *Urban Tourism*, 3(1), 59–76. <https://doi.org/10.22059/jut.2017.60509>
- Lorzangeneh, M., Talebi Varnosfaderani, A., & Shahivandi, A. (2024). The effects of tangible and intangible physical variables on the structure of neighborhoods in historical cores (Case study: Seyed Mahmoud neighborhood on Dezful). *MMI*, 14(37), 53–82. <http://mmi.aui.ac.ir/article-1-1424-fa.html>
 - Maghsoudi, A. (2019). Modernist unilateralism and the urban development policies of contemporary Iran. *MANZAR, The Scientific Journal of Landscape*, 11(48), 6–13. <https://doi.org/10.22034/manzar.2019.192557.1977>
 - Maghsoudi, A., Mansouri, S. A., & Haghiri, S. (2024). Territorial landscape: Explaining the relationship between the concept of territory and landscape. *MANZAR, The Scientific Journal of Landscape*, 16(68), 48–59. <https://doi.org/10.22034/manzar.2024.461220.2291>
 - Maghsoudi, A., Mirzahosseini, S., Jabbari, S., & Rezaei, F. (2025). Reidentification of the constituent elements of an alley landscape in the historical fabric of Yazd. *Tourism of Culture*, 5(19), 16–25. <https://doi.org/10.22034/toc.2025.497918.1179>
 - Maghsoudi, A., Sarajian Nami, M., Tavakkoli Farimani, M., Nazari, Z., Haj Abdolbaghi, F., Motemasek, F., & Mojtavavi, K. (2020). City image: A reflection of urban identity—An investigation about the relationship between urban image and identity in historic tissue of Gorgan. *Journal of Art and Civilization of the Orient*, 8(27), 67–76. <https://doi.org/10.22034/jaco.2020.217716.1141>
 - Mahmoodi, A.S., & Mansourpour, M. (2017). Position Study of Skeletal Factors in Social Interactions of Residential Neighborhoods. *Hoviat Shahr*, 11(31), 5–16. <https://iranjournals.nlai.ir/handle/123456789/468741>
 - Mansouri, S. A. (2013). The Spatial System in the Islamic City of Iran. *Journal of Art and Civilization of the Orient*, 1(1), 51–62. https://www.jaco-sj.com/article_3691.html
 - Mansouri, S. A. (2021). Alley as a “Landscape”. *MANZAR, the Scientific Journal of landscape*, 13(57), 3–3. <https://doi.org/10.22034/manzar.2021.142131>
 - Mansouri, S.A., & Shafia, S. (2021). *Landscape tourism*. Mahkameh.
 - Mardani, A. (2022). Historic fabric of urban public spaces and active role in social relationships (Case masque old Market Branch). *Scientific Journal of Iranian Urbanism*, 5(8), 33–47. <https://civilica.com/doc/1453652/>
 - Masoudi Nejad, R. (2022). A comparative study of social and retail bazaars: Investigating the historical bazaars of Dezful and Shushtar as retail bazaars. *Journal of Iranian Architecture Studies*, 5(10), 73–100. https://jias.kashanu.ac.ir/article_111770.html?lang=en
 - Mavedat, E. (2022). Assessing the branding network of the historical texture of cities with a tourism approach: Case study of Dezful City. *Urban Tourism*, 8(4), 13–27. <https://doi.org/10.22059/>
 - امام (اهوازی)، سید محمدعلی. (۱۳۸۲). مقالاتی درباره تاریخ جغرافیایی دزفول (بهاهتمام و مقدمه محمدحسن حکمت‌فر). دارالمومنین.
 - بهنیا، عبدالکریم. (۱۳۷۰). *قنوات استان خوزستان*. جهاد دانشگاهی (دانشگاه شهید چمران اهواز).
 - حبیبی، سید محسن. (۱۳۸۲). چگونگی الگوپذیری و تجدید سازمان استخوان‌بندی محله هنرهای زیبا، ۱۳(۱۳)، ۳۲–۴۳. https://jhz.ut.ac.ir/article_10657.html?lang=en
 - شهلا، شمیم. (۱۳۹۹). تأثیر و نقش آب در حادثه کربلا. پژوهش در هنر و علوم انسانی، ۴(۲۷)، ۵۷–۶۳. <https://sid.ir/paper/520216/fa>
 - فروغی ابری، اصغر. (۱۳۸۲). مسئله آب در کربلا. تاریخ در آینه پژوهش، ۴.
 - منصوری، سید امیر. (۱۳۸۹). چستی منظر شهری. منظر، ۲(۹)، ۳۰–۳۳. https://www.manzar-sj.com/article_405.html
 - Azad, M., Kamranifar, M., Khodabandelo, S., & Mahdavi, E. (2019). Sustainable Tourism with a focus on the Revitalization of Dezful Handmade Structures. *Tourism Research and Sustainable Development Journal*, 3(6), 1–16. <https://www.magiran.com/paper/2020466/sustainable-tourism-with-a-focus-on-the-revitalization-of-dezful-handmade-structures?lang=en>
 - Abdi Malek Kalaei, R., Noortaghani, A. M., & Sadvandi, M. (2021). Recognition of the semantic components of the Iranian-Islamic city alleys: Case study of the historical context of Sari city. *Iranian Islamic City Studies*, 40, 55–64. <https://iic.ihss.ac.ir/en/Article/13538>
 - Amanpour, S., Ahmadi, R., & Davoodi Monjazi, A. (2016). Investigating the defensive considerations in the historical cities of Iran: Case study—the old texture of Dezful. *Passive Defense*, 6(4), 1–14. https://pd.ihu.ac.ir/article_200673.html
 - Atashinbar, M. (2009). The continuity of identity in urban landscape. *Bagh-e Nazar*, 6(12), 45–56. https://www.bagh-sj.com/article_32.html
 - Atashinbar, M. (2015). Impacts of piercing streets on Paris urban landscape. *MANZAR, The Scientific Journal of Landscape*, 7(30), 54–61. https://www.manzar-sj.com/article_10538.html
 - Bahrami, F., & Atashinbar, M. (2020). Evolution of the urban landscape of Hamedan during First Pahlavi era: Impacts of piercing streets on the city center. *Bagh-e Nazar*, 16(81), 5–14. <https://doi.org/10.22034/bagh.2020.185773.4113>
 - Barati, N. (2004). Holistic and atomic world views and their effects on the architecture and urbanism. *Bagh-e Nazar*, 1(1), 7–24. https://www.bagh-sj.com/article_1491.html
 - Barati, N., & Zarringalam, F. (2013). The study of the semantic field of connectional spaces from the perspective of a lingo-cultural world: Case study of Persian language. *Bagh-e Nazar*, 10(24), 105–116. https://www.bagh-sj.com/article_2701.html
 - Eyni, A., & Taban, M. (2019). Evaluation of the effect of physical structure on the wind flow pattern in urban environments (case study: Siyah-Poshan and Gozare Shahi neighborhoods in Ghaleh district of Dezful). *Advanced Environmental Sciences*, 17(2), 155–172. <https://doi.org/10.29252/envs.17.2.155>
 - Hataminejad, H., Habibian, B., & Amirshakeri, M. (2017). Ranking

jut.2022.326985.926

- Mehrgan, M. (2024). Old city, modern life (Case study: Dezful City). *Journal of New Ideas in the Geographical Sciences*, 2(4), 111–124. <https://doi.org/10.71787/ntigs.2024.1003330>
- Momeni, K., & Soltani, P. (2018). Evaluation of the culture of Ashura in urban historical context of Dezful, Iran. *Naqshejahan*, 8(2), 133–141. <http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-30715-fa.html>
- Sabokro, D., Hemmati, M., & Motedayen, H. (2022). A comparison and evaluation of the basics of relationship between human and nature in two bodies of landscape and ecology knowledge. *MANZAR, The Scientific Journal of Landscape*, 14(60), 30–37. <https://doi.org/10.22034/manzar.2022.277940.2125>
- Shabani, M. M., & Mansouri, S. A. (2021). An investigation of the concept of alley territory as a cultural element in Iranian neighborhoods. *Tourism of Culture*, 2(5), 29–36. <https://doi.org/10.22034/toc.2021.263082.1035>

- Shabani, M. M., Mansouri, S. A., & Barati, N. (2024). Using local components of territory to increase the social interactions in the Navab residential complex. *Bagh-e Nazar*, 21(130), 35–44. <https://doi.org/10.22034/bagh.2023.323090.5089>
- Sheykh Beyglou, R., & Negahban, S. (2017). Suitable areas for urban physical expansion emphasizing on geomorphologic factors (Case study: Dezful City). *Geographical Urban Planning Research (GUPR)*, 5(4), 565–583. <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2018.224989.651>
- Taban, M., & Pourjfar, M. (2008). Identifying factors recognition of Dezful historical fabric and their usage in city development. *Modiriat Shahri*, 22, 23–42. <https://sl1nk.com/JGyaT>
- Taban, M., Pourjafar, M., Bemanian, M., & Heidari, S. (2012). Climate impact on architectural ornament: Analyzing the shadow of Khavoons in Dezful historical context with the use of image processing. *Naqshejahan*, 2(2), 79–90. <http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-404-fa.html>



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

مقصودی، امین؛ صبوری، سمیه؛ قصبه، مانده و کیهان آرا، حوریا. (۱۴۰۴). بازخوانی نسبت منظر کوچه بارودخانه دزو تحولات آن در بافت تاریخی شهر رودخانه دزفول (نمونه موردی: محور خیمه گاه، شهدا و لب خندق). منظر، ۱۷ (۷۳)، ۲۴–۳۷.



DOI: [10.22034/manzar.2025.520764.2350](https://doi.org/10.22034/manzar.2025.520764.2350)

URL: https://www.manzar-sj.com/article_227316.html?lang=fa